



استیون جانسون

ترجمہ نجمہ رمضانہ



سرشناسه: جانسون، استیون، ۱۹۶۸-م.

Johnson, Steven, 1968

عنوان و نام پدیدآور: دوراندیشی: چگونه درباره مهم‌ترین مسائل زندگی تصمیم بگیریم؟ استیون جانسون: ترجمه نجمه رضانی؛ سرویراستار علی کریمی؛ ویراستار بهار مختارزاده.
تهران: ترجمان علوم انسانی، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۹۱ ص.

عنوان دیگر: چگونه درباره مهم‌ترین مسائل زندگی تصمیم بگیریم؟
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۷۳۴۰۰-۵

رده بندی کنگره: BF۴۴۸

رده بندی دیویی: ۱۵۳/۸۳

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۰۳۷۷۰

این اثر ترجمه‌ای است از:

Farsighted

How We Make the Decisions That Matter the Most

Steven Johnson / Riverhead, 2018

دوراندیشی

چگونه درباره مهم‌ترین مسائل زندگی تصمیم بگیریم؟

نویسنده: استیون جانسون

مترجم: نجمه رضانی

ناشر: ترجمان علوم انسانی

ویراستار: بهار مختارزاده

نمونه خوان: میلاد اعظمی مرام

بازخوانی متن: فاطمه وزیری

طراح جلد: حمید اقدسی یزدلی

صفحه‌آرا: هادی عادل‌خانی

چاپ: زیتون

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

پست الکترونیکی: tarjoman.nashr@gmail.com

فروشگاه اینترنتی: www.tarjomaan.shop

.....
حقوق چاپ و نشر در تمام قالب‌ها اعم از
کاغذی، الکترونیکی و صوتی انحصاراً برای
انتشارات ترجمان علوم انسانی محفوظ است.
.....
این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.

تقدیر و تشکر	۹
پیشگفتار	۱۱
[۱] نقشه برداری	۳۹
[۲] پیش بینی	۷۳
[۳] تصحیح کیری	۱۱۵
[۴] انتخاب جهانی	۱۴۱
[۵] انتخاب فردی	۱۵۷
سخن آخر	۱۸۷
پی‌نوشت‌ها، واژه‌نامه و نمایه	۱۹۱

پیشگفتار

جبر اخلاقی

حدود ده هزار سال پیش، در اواخر عصر یخبندان پایانی، سرریز یخچالی بر اثر ذوب یخ سبب شکسته شدن سد زمینی باریکی شد و در نتیجه بروکلین امروزی و جزیره استاتن به هم متصل شدند و تنگه ای جزرومندی را پدید آوردند که نروژ نام دارد، ورودی جایی که بعدها به یکی از مهم ترین بنادر شهری جهان تبدیل شد، یعنی خلیج نیویورک. این رویداد زمین شناختی، برای افرادی که بعدها در سواحل اطراف زندگی می کردند، هم مایه خیر بود هم مایه شر. اتصال به دریا موهبت بزرگی برای کشتی رانی بود، اما سبب می شد با هر مد آب شور وارد خلیج شود. می گویند جزیره منهتن بهره مند از درودخانه است، اما این فقط ظاهر ماجراست، زیرا هم رودخانه شرقی و هم بخش پایینی هادسن مصب هایی جزرومندی هستند که میزان آب تازه آن ها به شدت پایین است. پدیدار شدن نروژ جزیره منهتن را به بندری امن و ویژه برای لنگرانداختن کشتی ها تبدیل کرد، اما اینکه جزیره در حصار آب های شور بود سبب می شد افراد نتوانند آب بدن خود را در سطح مورد نیاز نگه دارند.

قرن ها پیش از آنکه پروژه های عظیم انتقال آب در دهه ۱۸۰۰ تکمیل و آب شیرین قابل شرب از رودخانه ها و آبگیرهای شمالی به شهر آورده شود، ساکنان جزیره منهتن - در اصل قبیله های لنپه و بعد مهاجران هلندی - با نوشیدن از دریاچه ای کوچک نزدیک نوک جنوبی جزیره، که درست زیر «خیابان کانال» امروزی در میان مصب های شور بود، روزگار می گذراندند. این دریاچه نام های مختلفی داشت. هلندی ها به آن کالک می گفتند، بعدها به برکه فرش و اتر معروف شد، و امروزه بیشتر به آن برکه کالکت می گویند. این برکه که با چشمه های زیرزمینی تغذیه می شد در دو نهر جریان می یافت که یکی پیچ و تاب می خورد و به رودخانه شرقی

می‌رسید و دیگری در مسیر غرب، به سمت هادسن، در زمین فرومی‌رفت. گفته می‌شد در اوج مد لنبه‌ها می‌توانستند با بلم از این سر جزیره تا آن سر آن بروند.

نقاشی‌های اوایل قرن هجده نشان می‌دهند که کالکت منطقه‌ای چشم‌نواز و روح‌افزا بوده است، آبادی‌ای برای اولین ساکنان منهتن که بعد از ظهرها برای فرار از آن مرکز تجاری نوپا به سمت جنوب روانه می‌شدند. پرتگاهی مهیب در لبه شمال شرقی برکه پدید آمده بود که گاه به آن کوه بایارد می‌گویند و گاه تپه بانکر. پنجاه متر که بالا می‌رفتید به قله می‌رسیدید و آنجا منظره‌ای تماشایی از نواحی باتلاقی اطراف و، دورتر، سرمنازها و دودکش‌های شهر پرهیاو در مقابل دیدگانتان ظاهر می‌شد. ویلیام دوئر^۱ در خاطرات خود از نیویورک نوپا در قرن نوزده این‌طور یاد می‌کرد: «آن وقت که جوان بودیم، این منطقه محلی فوق‌العاده برای اسکیت‌بازی بود و هیچ چیز به پای درخشش و سرزندگی منظره‌ای در یک روز زمستانی خوش‌آب‌وهوا در این ناحیه نمی‌رسید، زمانی که حضور اسکیت‌بازان به آن سطح پوشیده از برف زندگی می‌بخشید، اسکیت‌بازانی که به نرمی نسیم از این سو و آن سو حرکت می‌کردند».

البته تا نیمه دوم قرن هجده، توسعه بازگانی آرام‌آرام فضای روستایی کالکت را از بین برد. دباغی‌ها در حاشیه برکه مغازه‌هایی را باز کردند و پوست حیوانات را در تانن (شامل مواد سمی درخت صنوبر) می‌خیساندند و آنگاه زباله‌های خود را مستقیم در ذخیره اصلی آب آشامیدنی شهر روبه‌رشد می‌ریختند. مناطق باتلاقی حاشیه برکه به محل انباشت اجساد حیوانات و حتی قربانیان گاه‌وبی‌گاه قتل‌های عمد تبدیل شد. در سال ۱۷۸۹، گروهی از شهروندان گرفتار این وضعیت و عده‌ای انگشت‌شمار از سرمایه‌گذاران املاک پیشنهاد دادند دباغی‌ها جمع و برکه کالکت و تپه‌های اطراف آن به یک پارک عمومی تبدیل شوند. آن‌ها معمار فرانسوی و مهندس شهری، پی‌یر چارلز لِنفانت^۲، را به کار گرفتند، کسی که چند سال بعد «واشینگتن دی‌سی» را هم طراحی کرد. وی از اولین پیشتازان مشارکت دولتی-شخصی بود که در نهایت به تجدید حیات بسیاری از پارک‌های منهتن در اواخر قرن بیستم انجامید. پیشنهاد لِنفانت این بود که سرمایه پارک برکه کالکت از سوی سرمایه‌گذارانی تأمین شود که املاکشان در حاشیه این فضای عمومی است. اما این برنامه در نهایت با شکست مواجه شد،

1. William Duer

2. Pierre Charles L'Enfant